

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

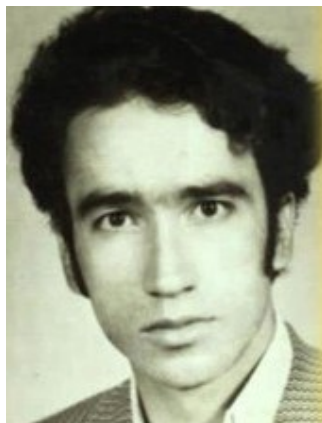
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۲۱ اکتوبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۳۸)

نواي مرغِ طوفان

دردلِ تیره شب سوزدم آتش تب
جان بگداخته ام آمده باز به لب

نگران گشته، پریش خیزم از بسترِ خویش
عقربِ ظالم یأس میزند بازم نیش

کنم آهسته خرام تا روم یک دوسه گام
تا مگر یک دو نفس دل بگیرد آرام

میرسم بر لبِ در	افگنم دور نظر
جانبِ رودِ بزرگ	که خروشد یکسر
با سرودِ هستی	با کمالِ مستی
مرغ طوفان گوید	زندگمی، آبستی
زان همه جوش و خروش	آیدم باز به گوش
کای دل افسرده ز غم	جهد بنمای و بکوش
تا به کی بی اثری	این چنین بی خبری؟
چون نهالِ خشکی	اینچنین بی ثمری؟
نیست معنیِ حیات	ایستن از حرکات
بایدت در همه عمر	پایمردی و ثبات
گر توئی تشنه آب	طرفِ دریا بشتاب
هان بیندیش که باز	نروی سوی سراب
بنگر مستی موج	که رود فوج به فوج
که رساند ز خروش	شورِ توفنده به اوج
کند هیچ درنگ	میشگافد دلِ سنگ
قلبِ پر عظمتِ آن*	نیست چون قلبِ تو تنگ
تند و تیز و چالاک	خطره سازد پاک
مینماید جاروب	از مسیرش خاشاک
دل به دریا بسپار	از خطر ترس مدار
گهر از بسترِ رود	همچو غواص بر آر
منطق سیرِ زمان	کند این گونه بیان
که رود پیش همیش	چرخِ تاریخ جهان
همچو برقی ز شهاب	تند، یکباره بتاب
کز نهیبت خیزند	خفتگان زود ز خواب
هله! از جا برخیز	از سیاهی مگریز

بلکه با مشعلِ نور سخت با آن بستیز

بنگر، صبح دمید سَـرِ تازه رسید
سینه دیو سیاه نیـزۀ نور درید

دلِ دریا نرم است رزم هستی گرم است
نتپیدن پیِ آب تشنگان را شرم است

صبح در جام وجود جرعه ای یأس نبود
به تو مرغ طوفان یک جهان باد درود!

۲شب ۱۸ جدی ۱۳۵۳ خورشیدی کابل «سرمد»

در کتاب رزم پیام آوران که به رنگ **سرخ** نوشته ام آمده اما در اشعاری که نزد من موجود است
به استناد آن به رنگ آبی اصلاح شده است.
قلب توفنده آن - قلب پر عظمت آن